

Learning from Workshops in Northern Uganda

By: Pamela Haines,
Philadelphia, Pennsylvania, USA

Farsi Translation
Vida Mozafarieh



یادگیری از کارگاه هایی در اوگاندا شمالی
نوشته: پاملا هینز
فیلا دلفیا، پنسیلوانیا، آمریکا.



ترجمه فارسی
ویدا مظفریه

«چاک اسر» و من بتازگی چندین کارگاه در شمال اوگاندا اداره کردیم. در اینجا میل دارم برخی از آنچه را که آموختم در میان بگذارم.

این تجربه دید مرا در زمینه هایی که آرسی می تواند رشد و گسترش یابد، افزود. در اینجا مردم، آرسی را از طرقي که خیلی از ما آشنا هستیم، استفاده میکنند — در میان پناهندگان جدید در یک شهر، که در انجمن های مدرسه وارد شده اند، در خانواده ها و روابط اجتماعی. ولی آرسی در ضمن در انجمن «کلیسیای پنطیکاستی» تدریس می شود، همچنین در اردوهای پناهندگان، و در شبکه روستاهای کشاورزی نیز تدریس می شود.

من دیدم که مردم میتوانند به راحتی از جنگ بهبود حاصل کنند. در این ناحیه بیش از چهل سال جنگ و درگیری های مسلحانه وجود داشته. برایم افتخاری بود که در یک جلسه ناهار حضور داشته باشم، که مردی از جنوب سودان درباره جنگ صحبت می کرد. برای مدت یک ساعت تمام تخلیه عمیق بود: خیلی از مردم توانستند برای اولین بار موفق شوند با ضربه و آسیب های جنگ روبرو شوند.

ادامه.....

من آموختم که چگونه آرسی می تواند یک جامعه روستایی را قدرت بخشد. من از یک مرد که اغلب در یک شبکه دهکده کشاورزی، گروهی از جوانان را اداره می کرد، پرسیدم، « آرسی چه تأثیر گذاری در جامعه او داشته؟ » او از « کاهش مصرف نوشابه های الکلی والکلسم » و از « بهبود و کم شدن شکاف بین گروه های همسایه » صحبت کرد.

من پیغام «رهایی و آزادسازی» آرسی را بخاطر آوردم که به زبان انگلیسی است : و طنز آمیز و مسخره بنظر آمد زیرا زبان انگلیسی خود ،زبان استعمار و ظلم است. من خوشحال شدم زمانیکه متوجه شدم که زبان انگلیسی را به زبان خودشان ترجمه می کردند، در صورتیکه همه کس انگلیسی میدانست. خوب بود که در این قسمت شرق آفریقا بسیار زبانهای مختلف صحبت می شد. متوجه شدم که تا چه اندازه، کند کردن حرکت مفید است اگر مطالب به زبان دومی گوش داده شود— حتی متوجه شدم تا چه حد بدلیل الگوهای آزدگی در من، بی صبر و کم حوصله شده بودم . در ضمن از راهنمای محلی که به زبان خودش نیم ساعت صحبت کرد پشتیبانی کردم: متوجه شدم چه تأثیر گذاری زیادی داشت. او عده ای از دوستان دبیرستانش را به کارگاه دعوت کرده بود. آنها تا آن زمان غیر از زبان انگلیسی از او نشنیده بودند که صحبت کند. آنها بسیار خوشحال شده بودند که او بزبان مادری شان با آنها صحبت می کرد.

در یک کلاس درباره « خاطرات جنسی » ، مردم سعی می کردند خاطراتی را بیاد آورند. من به آنها توصیه کردم سعی کنند توجه خود را روی آنچه در باره جنسیت و صمیمیت در زمان شروع مدرسه جذب کرده بودند، تمرکز کنند.

بیاد آوردم که کار روی « از خود تعریف کردن » چه حسن هایی دارد.

بخاطر آوردم که کار و تخلیه بطریق « وقت ویژه » تا چه حد مؤثر است. عده مخلوطی از سنین سیزده تا هفتاد سال را باهم نزدیک ساخت که بعضی ها جدید و بعضی ها با تجربه بودند .

کار و تخلیه روی موضوع «امتیاز داشتن» و «بیش از اندازه» داشتن در مقایسه با مردم این کارگاه بسیار مفید بود.

بسیار تحت تاثیر عزم، تعهد، قدرت و عشق در این مردم قرار گرفتم.